

## تأثیر میزان خطرپذیری افراد بر بازدارندگی مجازات نسبت به آنها

مهدی صبوری پور\*

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۳۰

### چکیده

جامعه برای هیچ‌یک از کارکردهای خود، از جمله اعمال عدالت کیفری، منابع نامحدود ندارد. منابع این حوزه بسیار محدود است و این امر اقتضا می‌کند که منابع موجود به نحوی به مصرف برسد که بیشترین کارآمدی را در زمینه تحقق اهداف این نظام داشته باشد. یکی از اهداف و کارکردهای اصلی مجازات، بازدارندگی است و از جمله بحث‌های موجود پیرامون اثر بازدارنده مجازات، تأثیر متفاوت شدت و قطعیت کیفر، بر کارکرد بازدارنده آن است. برخی از متفکران بر شدت و برخی دیگر بر قطعیت مجازات، به‌عنوان عامل اصلی بازدارندگی آن، تأکید دارند. گروه سوم نیز قائل به تساوی اثر این دو عامل هستند. نوشتار حاضر نشان می‌دهد که افراد نگرش‌های مختلفی نسبت به عامل خطر (ریسک) دارند و این امر باعث می‌شود که شدت و قطعیت مجازات نیز اثر متفاوتی بر آنها داشته باشد. نسبت به افراد خطرپذیر، قطعیت مجازات مهم‌تر و دارای اثر بازدارنده قوی‌تر است. در مقابل، برای افراد خطرگریز، شدت مجازات اثر بازدارنده قوی‌تری دارد. برای افراد بی‌تفاوت نسبت به خطر نیز هیچ‌یک از این دو مؤلفه، کارکرد بازدارنده قوی‌تری نسبت به دیگری ندارد. بنابراین در تصمیم‌گیری کلان برای سیاست کیفری، هیچ‌یک از این دو عامل را نمی‌توان به‌طور مطلق بر دیگری برتری داد؛ بلکه باید تحلیل هزینه-فایده را مورد توجه قرار داد و با رویکردی مبتنی بر ارزیابی مستمر، منابع را به سویی سوق داد که با صرف کمترین هزینه، بیشترین بازدارندگی ایجاد شود.

### کلید واژگان

جرم، خطر، شدت و قطعیت مجازات، هزینه، فایده.

\* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

## مقدمه

یکی از بحث‌های دامنه‌دار و قدیمی در سیاست کیفری، تعیین اولویت و ترجیح مؤلفه‌های «شدت» و «قطعیت» مجازات در تأمین بازدارندگی آن است. زمانی تصور بر این بود که هر اندازه مجازات شدیدتر باشد، اثر بازدارنده آن نیز قوی‌تر است. از همین‌رو است که در دوره‌های اولیه پیدایش حقوق کیفری، مجازات‌های بسیار شدید بدنی، از قبیل اشکال مختلف سلب حیات، فراوان مورد استفاده قرار می‌گرفتند. اگر سیر تحول حقوق کیفری از دوران باستان تاکنون مورد بررسی اجمالی قرار گیرد، ملاحظه می‌شود که به محض آنکه دولت‌ها آن اندازه قدرت پیدا کردند که بتوانند نقش نظاره‌گر و میانجی بین بزه‌دیده و بزه‌کار را وا نهند و به اعمال‌کننده مجازات تبدیل شوند، اجرای مجازات‌های بسیار شدید را نیز به‌عنوان یکی از گزینه‌های اصلی اعمال اقتدار کیفری خود به کار گرفتند.<sup>۱</sup> آدام اسمیت در کتاب «گفتارهایی در علم حقوق»<sup>۲</sup> فرآیند توسل به مجازات‌های بسیار شدید در نظام‌های کیفری باستان را به خوبی شرح می‌دهد. او توضیح می‌دهد که در حکومت‌های نخستین، دولت صرفاً به‌عنوان میانجی<sup>۳</sup> و واسطه‌ای برای حل اختلاف میان قبایل عمل می‌کرد. مثلاً اگر یک قبیله، زمین متعلق به دیگری را غصب کرده یا یکی از اعضای قبیله دیگر را کشته بود، دولت مداخله می‌کرد و خصومت‌ها را از طریق نوعی جبران خسارت، خاتمه می‌داد. دلیل این امر را نیز، ضعف دولت‌ها در آن دوران می‌داند که باعث می‌شد مداخله آنها در امور اشخاص بسیار دشوار باشد.<sup>۴</sup> اما به موازات قدرت پیدا کردن دولت‌ها، نقش آنها نیز از میانجی به تعیین‌کننده جرم و مجازات و اعمال‌کننده کیفر تغییر پیدا کرد.<sup>۵</sup> در این دوره‌های اولیه قدرت یافتن دولت‌ها، تقریباً تمام رفتارهای مجرمانه با مجازات‌های بسیار سنگین و خصوصاً سلب حیات مجازات می‌شد.<sup>۶</sup> اما به تدریج که این جوامع تحول و تکامل پیدا کردند،

1. Hylton, Keith, "The Theory of Penalties and the Economics of Criminal Law", Review of Law and Economics, Vol. 1, 2005, p 91.

2. Lectures on Jurisprudence.

3. Mediator.

4. Smith, Adam, Lectures on Jurisprudence, Glasgow Edition of the Works and Correspondence of Adam Smith, Glasgow, Liberty Fund Inc., 2010, p 106.

۵. نوبهار، رحیم، «اصل قضامندی مجازات‌ها»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۷۰.

۶. آشوری، محمد؛ و اسدالله میرزایی، «حقوق کیفری و توسعه اقتصادی-صنعتی»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۰-۸.

شدت مجازات‌ها نیز کاهش یافت.<sup>۱</sup> البته روند کاهش مجازات، برای تمام جرائم به‌طور یکسان اتفاق نیفتاد. ابتدا مجازات جرائمی کاهش یافت که کشف آنها آسان بود. مجازات اعدام و دیگر مجازات‌های سنگین، همچنان برای جرائمی که کشف آنها دشوار بود و همچنین برای جرائمی که فرصت‌های ارتکاب آنها در مقایسه با فرصت‌های کشف آنها متعدد بود، حفظ شد.<sup>۲</sup>

بنابراین مجازات اعدام (و در مفهوم گسترده‌تر، مجازات‌های بسیار شدید مشابه آن، مانند کیفر چرخ) اصالتاً به دورانی تعلق دارد که دولت به تازگی شکل گرفته است و توانایی تأمین «قطعیت» مجازات در سطح مطلوب را ندارد و از این‌رو می‌کوشد تا با قرار دادن «شدت» مجازات در حداکثر ممکن، بازدارندگی مطلوب مجازات را تأمین کند.<sup>۳</sup>

به این ترتیب طبیعی است که با افزایش اقتدار دولت و توسعه توانایی آن در کنترل جرم، از شدت مجازات‌ها کاسته و بر قطعیت آنها افزوده شود. اما این بحث همچنان مطرح است که اگر هدف بازدارندگی را در اعمال مجازات اولویت دهیم، آن‌گاه کدام یک از دو مؤلفه شدت و قطعیت مجازات نقش مهم‌تری در تحقق این هدف دارند.

از منظر تاریخی، بیشتر تأملاتی که در این باره صورت گرفته، مبتنی بر ملاحظات فلسفی و اخلاقی بوده و بررسی‌های تجربی و تحلیل‌های علمی، کمتر در این موضوع راه یافته است. نخستین جلوه‌های توجه به این موضوع بر اساس مفاهیم علمی و عینی، در نیمه دوم قرن بیستم و در قالب رویکرد عقلانیت مطلق بزهکاری مشاهده می‌شود.

۱. کاهش شدت مجازات و انصراف از مجازات‌های بسیار خشن را می‌توان در راستای تلاش این دولت‌های نوپا برای تحصیل مشروعیت نیز تفسیر کرد. مجازات‌هایی که بیش از اندازه سخت هستند، احتمالاً حکومت را در نگاه شهروندان، مستبد جلوه می‌دهند و آنان را متمدن می‌سازند. در این مورد نگاه کنید به:

- ویلیامز، فرانک و مارلین، مک‌شین؛ **نظریه‌های جرم‌شناسی**، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چ پنجم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۱، (صص ۳۷-۳۶).

۲. به‌عنوان مثال در الواح دوازده‌گانه روم (Roman Twelve Tables)، مجازات غالب موارد سرقت، جزای نقدی به میزان دو برابر مال مسروقه بود اما مجازات سرقت وسایل کشاورزی (مانند گاواهن) اعدام بود. رسم و عادت زندگی روستاییان به‌ویژه در دوران‌های گذشته چنین بوده است که این‌گونه ابزارها را بدون مراقب و محافظ، در مزرعه رها می‌کردند. به همین دلیل نیز فرصت ارتکاب جرائم مرتبط مانند سرقت آنها نیز زیاد بوده است. در الواح دوازده‌گانه، علاوه بر این، برای کسی هم که هنگام شب محصول دیگری را درو می‌کرد یا حیوانات خود را شب‌هنگام در محصول دیگری، می‌چراند نیز مجازات اعدام پیش‌بینی شده بود. در این مورد نیز مشاهده می‌شود که دشواری شناسایی مجرم، سبب تعیین مجازات شدید اعدام شده است. در این مورد نگاه کنید به:

Hylton, Keith, "The Theory of Penalties and the Economics of Criminal Law", Review of Law and Economics, Vol. 1, 2005, pp 25-26.

۳. برای ملاحظه نمونه‌هایی از شدت عمل افراطی در اعمال کیفر نگاه کنید به:  
- فوکو، میشل؛ **مراقبت و تنبیه، تولد زندان**، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چ سیزدهم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۴، (صص ۱۴-۱۱).

در ادامه این نوشتار، ابتدا مفهوم نظریه عقلانیت مطلق در بزهکاری بیان می‌شود (بند نخست). سپس، تفاوت افراد از حیث خطرپذیری یا خطرگریزی آنها تبیین می‌شود (بند دوم) تا مشخص گردد که انسان‌های مختلف چه نوع نگرشی نسبت به عامل خطر دارند و این عامل چگونه بر نحوه تصمیم‌گیری آنها تأثیر می‌گذارد. محور بعدی مقاله نیز بررسی میزان بهینه مجازات از حیث شدت و قطعیت آن در پرتو رویکرد افراد به عامل خطر و دلالت‌های این امر در حوزه سیاست‌گذاری کیفری می‌باشد (بند سوم).

## ۱. عقلانیت مطلق در ارتکاب جرم

یکی از رویکردهای مطرح در باب علت‌شناسی ارتکاب جرم، رویکرد انتخاب عقلانی است. این رویکرد بر این اعتقاد استوار است که نه بزهکار فردی متفاوت از دیگران است و نه بزهکاری، تابع سازوکاری متفاوت از رفتارهای غیرمجرمانه است: انسان‌ها مرتکب جرم می‌شوند، به همان دلیل که تحصیلات خود را ادامه می‌دهند، کار می‌کنند، ازدواج می‌کنند و یا شغل خود را تغییر می‌دهند. از این منظر، رفتار مجرمانه، همانند رفتارهای غیرمجرمانه، مبتنی بر عقلانیت و حسابگری انسان و میل او به بهبود وضعیت زندگی خود است. عقل انسان گاهی به وی فرمان ارتکاب جرم می‌دهد، همان‌طور که گاه دیگر فرمان به رفتاری غیرمجرمانه می‌دهد. به این ترتیب مطابق این دیدگاه، انتخاب جرم متفاوت از سایر انتخاب‌های انسان نیست و مبتنی بر همان انگیزه‌ها و دلایلی است که سایر رفتارهای انسان را توجیه می‌کند.

عامه افراد جامعه، بزهکاران را افرادی متفاوت از خود می‌دانند و به همین دلیل، در حالی که رفتارهای خود را عقلانی می‌دانند، اعمال آنها را غیرعقلانی می‌پندارند. در حالی که اگر این پیش‌داوری کنار گذاشته شود، مشاهده می‌شود که آنها نیز همچون سایرین عقلانی عمل می‌کنند. عمل مجرمانه، در بسیاری از مصادیق خود، با معیارهای «عقلانیت هدف - وسیله‌ای»<sup>۱</sup> یا «عقلانیت ابزاری»<sup>۲</sup> منطبق است. بسیاری از بزهکاران، در این معنا عقلانی عمل می‌کنند و عمل مجرمانه آنها باید به‌عنوان یک رفتار عقلانی مورد تحلیل قرار گیرد.

1. Means-End Rationality.  
2. Instrumental Rationality.

به این ترتیب، رویکرد عقلانیت بزهکاری بر این فرض مبتنی است که ارتکاب جرم، عملی است عقلانی و از سازوکارهای تبیین شده در عقلانیت هدف- وسیله‌ای، تبعیت می‌کند. در این معنا، ارتکاب جرم ابزاری است که فرد بزهکار، با استفاده از حسابگری‌های عقلانی خود، به‌عنوان کارآمدترین ابزار برای رسیدن به هدفی که دارد (مانند کسب مال، انتقام‌گیری، لذت‌جویی و ارضاء نیازهای درونی خود) برگزیده است. ابزاری که به بهترین نحو، ترجیحات و منافع وی را محقق می‌سازد و در عین حال کمترین هزینه را نیز برای وی دارد. عقلانیت بزهکاری، در معنای دقیق خود یک «رویکرد»<sup>۱</sup> است که حداقل دو تئوری مشخص زیرمجموعه آن قرار می‌گیرند: تئوری عقلانیت مطلق بزهکاری و تئوری عقلانیت مقید بزهکاری. به دلیل عدم ارتباط نظریه عقلانیت مقید با بحث نوشتار حاضر، از توضیح در باب آن خودداری شده و بر تبیین مفهوم عقلانیت مطلق تمرکز خواهد شد.

عقلانیت مطلق بزهکاری، «تئوری فایده مورد انتظار»<sup>۲</sup> را که از فروع نظریه‌گزینش عقلانی است، برای توضیح شرایط حاکم بر تصمیم‌گیری برای ارتکاب یا عدم ارتکاب بزه به کار می‌گیرد. این دیدگاه، بزهکار بالقوه را دارای عقلانیت، قدرت حسابگری و تصمیم‌گیری و کنترل نفس در مفهوم تام و کامل خود می‌داند. تئوری فایده مورد انتظار، توسط جان فون نویمان<sup>۳</sup> و اسکار مورگن‌استرن<sup>۴</sup> در سال ۱۹۴۴ و به‌عنوان مدلی عمومی برای تبیین تصمیم‌گیری در شرایط توأم با خطر ارائه شد.<sup>۵</sup> روشن است که یکی از بارزترین مصادیق تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت، که این مدل ناظر به آن است، تصمیم‌گیری برای ارتکاب جرم است زیرا، منافع و خصوصاً هزینه‌های جرم، جنبه قطعی ندارند و از این‌رو، تصمیم‌گیری بزهکار بالقوه، در شرایط عدم قطعیت و توأم با خطر صورت می‌گیرد.

1. Approach.

2. Expected Utility Theory.

3. John Von Neumann.

4. Oskar Morgenstern.

۵. جان فون نویمان (۱۹۵۷-۱۹۰۳) ریاضی‌دان مجارستانی مقیم آمریکا، علی‌رغم عمر نسبتاً کوتاه خود، بی‌تردید یکی از نوابغ علمی قرن بیستم بوده است. او آثار مهمی در گستره وسیعی از موضوعات علمی دارد. اقتصاد، ریاضی، مکانیک و علوم کامپیوتر از جمله حوزه‌های مطالعاتی وی بودند. او در ساخت نخستین کامپیوتر به نام انیاک (ENIAC) نیز نقش داشته است. یکی از نقاط بحث‌انگیز زندگی وی، مشارکت در «پروژه منهتن» بود که به ساخت نخستین بمب اتمی منجر شد. برای اطلاعات تکمیلی در مورد وی نگاه کنید به:

- Norman, Macrae, John von Neumann: The Scientific Genius Who Pioneered the Modern Computer, Game Theory, Nuclear Deterrence, and Much More, American Mathematical Society, 2000.

این مدل، مبتنی بر این فرض است که فرد در مقام تصمیم‌گیری، نسبت به تمام گزینه‌هایی که برای وی ممکن است، اطلاع کامل دارد. سپس تمامی نتایجی را که ممکن است از انتخاب وی به بار آید، در یک سلسله ترجیحات «کامل» و «انتقال‌پذیر» منظم می‌کند، هزینه‌ها و فایده‌های گزینه‌های مختلف را در نظر می‌گیرد و آنگاه متناسب با نگرشی که نسبت به مؤلفه «خطر» دارد، اقدام به انتخاب می‌کند.<sup>۱</sup>

به‌عنوان مثال، فردی را تصور کنید که در فکر سرقت از یک منزل است و با سه احتمال مواجه است:

۱. رسیدن به کالاهایی که ارزش آنها در بازار پانصد هزار ریال است.

۲. رسیدن به سیصد هزار ریال پول نقد.

۳. پیدا نکردن هیچ پول نقد یا کالای باارزشی در آن منزل.

فرد مورد نظر در این مثال، اولاً: دارای ترجیحات «کامل» است زیرا، سه گزینه پیش رو دارد و می‌تواند بگوید که مثلاً: گزینه ۱ را به ۲ و گزینه ۲ را به ۳ ترجیح می‌دهد. به عبارت دیگر، قادر به رتبه‌بندی ترجیحات خود است. از این امر تحت عنوان کامل بودن ترجیحات نام برده می‌شود. علاوه بر این، ترجیحات وی انتقال‌پذیر است یعنی اگر گزینه ۱ را به ۲ و گزینه ۲ را به ۳ ترجیح می‌دهد، طبعاً گزینه ۱ را به ۳ نیز ترجیح می‌دهد.<sup>۲</sup> اگر غیر از این باشد، او نمی‌تواند انتخابی عقلانی داشته باشد.<sup>۳</sup>

مدل فایده مورد انتظار، در عین حال مستلزم آن است که فرد، احتمال تحقق هر نتیجه را بداند. مثلاً بداند احتمال تحقق گزینه ۱، ۲۵ درصد؛ گزینه ۲، ۵۵ درصد و گزینه ۳ نیز ۲۰ درصد است. قائلان به این دیدگاه، در رابطه با علت‌شناسی ارتکاب جرم معتقدند که فردی که به ارتکاب جرم فکر می‌کند، تنها در صورتی اقدام به این کار خواهد کرد که منافع مورد انتظار وی از ارتکاب جرم، بیش از هزینه‌های آن باشد. این رویکرد بر این اعتقاد است که نمی‌توان به انگیزه واقعی رفتارها پی برد و بر

1. Grant, Simon Harold, & Van Zandt, Timothy, Expected Utility Theory (November 25, 2007). INSEAD Business School Research Paper No. 2007, pp 5-11.

۲. رهبر، فرهاد؛ و میثم امیری، «اقتصاد رفتاری و سیاستگذاری عمومی»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۵۳.

۳. این ترجیح بین گزینه‌ها شاید در بادی امر بدیهی و تا حدودی بی‌اهمیت به نظر برسد اما در تحلیل‌های اقتصادی از رفتار انسان در مقام انتخاب، دلالت‌های بسیار مهمی دارد. در این مورد، نگاه کنید به:

- Suzumura, Kotaro, Choice, Preferences, and Procedures: A Rational Choice Theoretic Approach, Harvard University Press, 2016, pp 169-170.

همین اساس توجه به آن را کنار می‌گذارد و به سمت آن می‌رود که همه رفتارهای افراد را عقلانی بداند. در این دیدگاه، عدم عقلانیت نادیده گرفته می‌شود و انکار می‌گردد.<sup>۱</sup>

در زمینه تعیین سیاست کیفری مطلوب نیز به تبع باوری که در رابطه با علت ارتکاب جرم دارند (بیشتر بودن منافع نسبت به هزینه‌های جرم) معتقدند که کافی است «مجازات مورد انتظار»<sup>۲</sup> بزهکار بالقوه، برابر با منفعت مورد انتظار وی از ارتکاب جرم قرار داده شود. در این صورت چون ارتکاب جرم دارای بازده مثبت نیست، وی از آن منصرف خواهد شد و بازدارندگی مورد نظر تأمین می‌گردد. «مجازات مورد انتظار» مفهومی است متفاوت از مجازاتی که در قانون پیش‌بینی شده است. مجازات مورد انتظار بر اساس دو مؤلفه «شدت»<sup>۳</sup> و «قطعیت»<sup>۴</sup> تعیین می‌شود. به‌عنوان مثال اگر مجازات از نوع جزای نقدی، شدت آن به میزان یک میلیون ریال و قطعیت آن نیز ده درصد باشد (به این معنا که مجازات پیش‌بینی شده قانونی، از هر ۱۰ نفر مرتکب جرم در مورد یک نفر اعمال شود) میزان مجازات مورد انتظار معادل یکصد هزار ریال است (۱۰۰,۰۰۰ = ۱۰٪ × ۱,۰۰۰,۰۰۰).

به این ترتیب، این تئوری فرض را بر این می‌گذارد که وقتی کسی می‌خواهد مرتکب جرم شود این امور را در نظر می‌گیرد:

۱. احتمال موفقیت یا شکست در اجرای نقشه مجرمانه خود؛ و
  ۲. هزینه‌ای که در صورت دستگیری و مجازات بر وی تحمیل می‌شود؛ و
  ۳. منفعتی که در صورت موفقیت در ارتکاب جرم نصیب وی خواهد شد،
- آنگاه در صورتی که این فایده بیش از هزینه ناشی از دستگیری و مجازات باشد، اقدام به ارتکاب جرم می‌کند.

فایده جرم، دربرگیرنده تمام منافع مادی است که در نتیجه ارتکاب جرم برای بزهکار حاصل می‌شود. رویکرد عقلانیت مطلق، صرفاً فواید مادی و مالی را در محاسبات خود وارد کرده و فواید غیرمالی که ممکن است بزهکار بالقوه، با نظر به آنها مرتکب جرم شود (مانند ارضاء حس

1. Hayward, Keith, "Situational Crime Prevention and its Discontents: Rational Choice Theory versus the Culture of Now", Social Policy & Administration Magazine, Vol. 41, 2007, p 232.

2. Expected Punishment.

3. Severity.

4. Certainty.

انتقام‌جویی و لذت بردن از هیجان ناشی از ارتکاب جرم) را در نظر نمی‌گیرد. در بین هزینه‌های جرم نیز می‌توان بین هزینه‌های مادی (تجهیزات، اسلحه، وسایل نقلیه)، هزینه‌های روانی (احساس گناه، آشفتگی، ترس، نفرت از خطر)، «هزینه‌های مجازات» مورد انتظار و «هزینه‌های فرصت جرم» تفکیک قائل شد.

هزینه‌های مجازات شامل تمامی اشکال رسمی و غیررسمی ضمانت اجراها می‌شود، به‌علاوه هزینه‌های مادی ناشی از دادرسی (از دست دادن درآمد، هزینه‌های وکیل). هزینه‌های غیررسمی شامل هرگونه ناراحتی شخصی مرتبط با دستگیری، دادرسی و محکومیت می‌شود. برچسب‌خوردگی اجتماعی ناشی از دستگیری و مجازات را نیز باید به این افزود. یکی دیگر از انواع هزینه‌های جرم، هزینه فرصت جرم<sup>۱</sup> است که شامل عواید خالص (عواید ناخالص منهای هزینه‌ها) فعالیت‌های قانونی که از آنها برای برنامه‌ریزی، اجرا و اخفای فعالیت مجرمانه صرف‌نظر شده است، می‌گردد. هر اندازه که سطح درآمد فرد کمتر باشد، هزینه فرصت پرداختن وی به عمل مجرمانه نیز کمتر است. از جمله، به همین دلیل است که در میان بزهکاران، نسبت جوانان، بیکاران، اشخاص کم‌درآمد و افرادی از این قبیل، بیش از نسبت آنها به کل افراد جامعه است زیرا، هزینه فرصت جرم برای آنها کمتر است. اگر یک جراح زبردست که از هر عمل جراحی مبلغ عمده‌ای درآمد دارد، بخواهد به ارتکاب جرم بپردازد، فرصتی را که می‌توانسته به کار اصلی خود بپردازد از دست می‌دهد و تبعاً از درآمد آن محروم می‌شود. این امر به معنای بالا بودن هزینه فرصت جرم برای وی است. اما یک فرد بیکار، هر اندازه هم که برای ارتکاب جرم وقت بگذارد، چیز زیادی را از دست نمی‌دهد. هزینه فرصت ارتکاب جرم برای وی نزدیک به صفر است. در نتیجه، هزینه ارتکاب جرم برای وی کمتر است. هزینه فرصت ارتکاب جرم، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در برآوردهای مربوط به هزینه و فایده جرم در تئوری‌های عقلانیت بزهکاری است.

## ۲. تبیین نوع گرایش افراد به خطر (ریسک)

«فایده»<sup>۲</sup> در مفهوم مورد نظر در تئوری عقلانیت مطلق بزهکاری، کاملاً متفاوت از آن چیزی است که در علم اقتصاد و برای تحلیل انتخاب مصرف‌کننده در بازار، مراد است. در مدل انتخاب

1. Opportunity Cost of Crime.

2. Utility.



مصرف‌کننده در بازار، هیچ عدم قطعیت و خطری وجود ندارد و مصرف‌کننده دقیقاً می‌داند که از هر انتخاب وی چه میزان رضایت و فایده نصیب وی می‌شود. اما در مدل عقلانیت بزهکاری، تعیین فایده نتایج مختلف در وضعیت خطر و عدم قطعیت، مورد توجه قرار دارد. تئوری فایده مورد انتظار، یکی از عوامل مهم در تصمیم‌گیری افراد را نوع نگرش آنها به خطر می‌داند. به این معنا که در شرایطی که تمامی هزینه‌ها و فایده‌های یک عمل ثابت است، ممکن است دو فرد مختلف اقدام به دو انتخاب متفاوت کنند زیرا، نوع نگرش آنها به خطر متفاوت است. اما این مؤلفه، تا سال ۱۹۶۸ در تحلیل‌های مربوط به عقلانیت بزهکاری وارد نشده بود تا اینکه در این سال، گری بکر آن را در این زمینه مورد توجه قرار داد. تا پیش از آن تصور بر این بود که فایده جرم برای بزهکار، متناسب با میزان نتیجه افزایش می‌یابد. مثلاً اگر میزان مال مسروقه دو برابر شود و از یک میلیون ریال به دو میلیون ریال افزایش پیدا کند، فایده و مطلوبیت آن برای بزهکار نیز به همین ترتیب، دو برابر می‌شود. به این ترتیب اگر مجازات مورد انتظار در فرض اول باید حداقل دو میلیون ریال باشد تا بازدارندگی مطلوب تأمین شود، در فرض دوم این میزان باید به چهار میلیون ریال افزایش پیدا کند. اما تحقیقات بعدی نشان داد که این فرض لزوماً صحیح نیست و میزان افزایش مطلوبیت یک نتیجه برای افراد، ارتباط مستقیمی با نوع نگرش آنها به خطر دارد. از این منظر افراد به سه دسته تقسیم می‌شوند: بی‌تفاوت به خطر<sup>۱</sup>، خطرپذیر<sup>۲</sup> و خطرگریز<sup>۳</sup>.

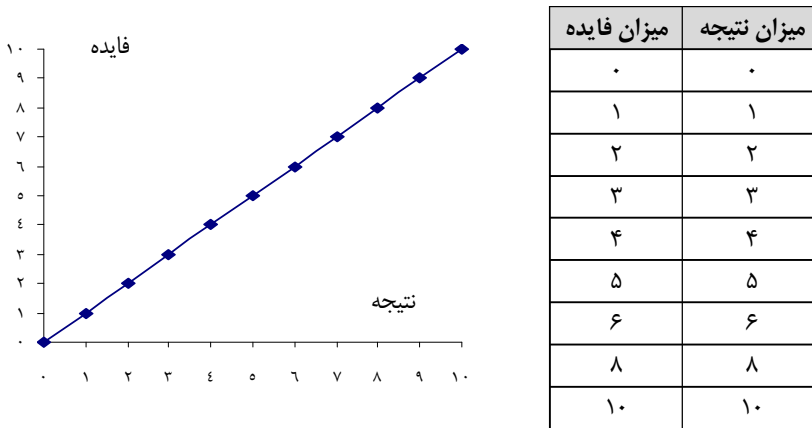
## ۲.۱. بی‌تفاوت به خطر

یک فرد بی‌تفاوت به خطر، کسی است که فایده نتایج مختلف برای وی، مطابق الگوی مورد اشاره در بالا است به این معنا که هر اندازه نتیجه افزایش پیدا کند، فایده آن نتیجه و مطلوبیت آن برای وی نیز به همان میزان افزایش می‌یابد. مثلاً: سرقتی که نتیجه احتمالی آن ده میلیون ریال است، برای وی دو برابر سرقتی با نتیجه احتمالی پنج میلیون ریال «فایده» و مطلوبیت دارد و بر همین اساس هم او حاضر است برای فرض دوم (ده میلیون ریال) دو برابر فرض نخست هزینه کند (که یکی از این هزینه‌ها و مهم‌ترین آنها در بحث حاضر، مجازات است).

1. Risk Neutral.  
2. Risk Lover.  
3. Risk Averter.

برای تبیین بهتر موضوع، رابطه بین نتیجه و فایده برای افراد مختلف را در قالب یک تابع ریاضی که «تابع فایده»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود، ارائه کرده‌اند. نمودار تابع فایده برای یک فرد بی تفاوت نسبت به خطر، به شکل ذیل است.<sup>۲</sup>

«تابع فایده یک فرد بی تفاوت به ریسک»



چنان که ملاحظه می‌شود، برای چنین فردی «افزایش فایده» دقیقاً متناسب با «افزایش نتیجه» صورت می‌گیرد. هنگامی که نتیجه از ۲ به ۱۰ می‌رسد (پنج برابر می‌شود) فایده نیز پنج برابر می‌شود و از ۲ به ۱۰ افزایش پیدا می‌کند. به این ترتیب در مقایسه با فرضی که میزان نتیجه ۲ است، چنین فردی حاضر است ۵ برابر بیشتر هزینه کند تا به نتیجه ۱۰ برسد.

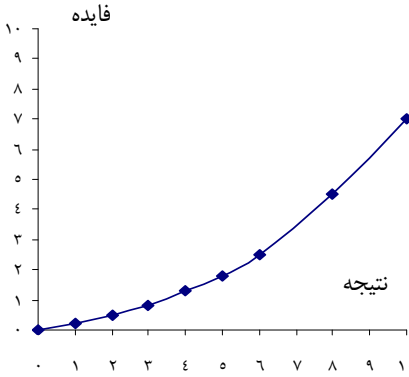
## ۲.۲. خطرپذیر

برای یک فرد خطرپذیر، افزایش فایده با نسبتی بسیار بیشتر از افزایش نتیجه تحقق می‌یابد. به عنوان مثال اگر یک سرعت با نتیجه دو میلیون ریال، برای او فایده و مطلوبیتی به میزان یک واحد داشته باشد، هنگامی که این نتیجه پنج برابر شود و به ده میلیون ریال افزایش یابد، مطلوبیت آن برای وی بسیار بیشتر از پنج برابر افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، افزایش مطلوبیت

1. Utility Function.

2. Lattimore, Pamela, & Witte, Ann, "Models of Decision Making Under Uncertainty: The Criminal Choice", in: *The Reasoning Criminal: Rational Choice Perspectives on Offending*, Derek Cornish & Ronald Clarke (eds), Transaction Publishers, 2014, p 134.

برای وی به نحو تصاعدی صورت می‌گیرد. نمونه‌ای از تابع فایده یک فرد خطرپذیر به شکل ذیل است.<sup>۱</sup>



میزان فایده	میزان نتیجه
۰	۰
۰/۲	۱
۰/۵	۲
۰/۸	۳
۱/۳	۴
۱/۸	۵
۲/۵	۶
۴/۵	۸
۷	۱۰

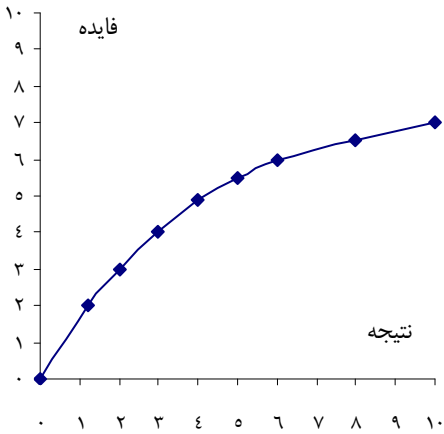
نمودار بالا به خوبی نشان می‌دهد که برای یک فرد خطرپذیر، افزایش فایده به نسبتی بیش از افزایش نتیجه صورت می‌گیرد. چنان که مثلاً: وقتی میزان نتیجه ۲ است، میزان فایده آن برای وی ۰,۵ است اما هنگامی که نتیجه ۵ برابر می‌شود و به ۱۰ می‌رسد، میزان فایده ۱۴ برابر شده و به عدد ۷ رسیده است. روشن است که این دسته از بزهکاران، آمادگی بیشتری دارند تا برای رسیدن به نتایج بزرگ‌تر، خطرات بسیار شدیدتر را نیز پذیرا شوند. نتایج اندک برای آنها مطلوبیت چندانی ندارد اما نتایج بزرگ، مطلوبیت بسیاری برای آنها دارد.

### ۲.۳. خطرگریز

هنگامی که گفته می‌شود که یک فرد خطرگریز است، به آن معنا است که برای او، افزایش فایده به نسبتی کمتر از افزایش نتیجه صورت می‌گیرد. به‌عنوان نمونه و در همان مثال سرقت، اگر سرقتی با نتیجه یک میلیون ریال برای وی مطلوبیت و فایده‌ای به میزان دو واحد داشته باشد، هنگامی که این نتیجه پنج برابر شود و به پنج میلیون ریال افزایش یابد، مطلوبیت آن برای وی بسیار کمتر از پنج برابر افزایش می‌یابد. تابع فایده افراد خطرگریز، شکل محدب دارد:<sup>۲</sup>

1. Ibid.  
2. Ibid.

## «تابع فایده یک فرد ریسک‌گریز»



میزان فایده	میزان نتیجه
۰	۰
۲	۱/۲
۳	۲
۴	۳
۴/۹	۴
۵/۵	۵

در نمودار فوق ملاحظه می‌شود که وقتی میزان نتیجه ۲ است، میزان فایده عدد ۳ را نشان می‌دهد. اما وقتی این نتیجه پنج برابر می‌شود و به ۱۰ می‌رسد، میزان فایده فقط اندکی بیش از دو برابر شده و به عدد ۷ رسیده است. به بیان دیگر اگر سرقتی با نتیجه ۲۰ میلیون ریالی، برای وی مطلوبیتی به میزان ۳ واحد دارد، مطلوبیت و فایده یک سرقت ۱۰۰ میلیون ریالی برای او تنها ۷ واحد است. به این ترتیب، او چندان تمایلی به پرداخت هزینه‌های سنگین‌تر، حتی برای تحصیل منافع بسیار بزرگ‌تر ندارد.

بحث در باب نوع نگرش افراد به خطر، صرفاً جنبه نظری ندارد. ثمره عملی این بحث، در تعیین شدت و قطعیت مطلوب مجازات‌ها ظاهر می‌شود که در بند بعد به آن پرداخته شده است.

### ۳. شدت و قطعیت مطلوب مجازات‌ها

این موضوع که مؤلفه‌های قطعیت و شدت مجازات دارای آثار متفاوتی هستند، از حیث برنامه‌ریزی عمومی برای کنترل جرم اهمیت بسیاری دارد زیرا، نشان می‌دهد که منابع باید در کجا مصرف شوند تا بهترین اثر بازدارنده را داشته باشند.<sup>۱</sup>

۱. یک نکته مهم در مورد سطوح بهینه مجازات این است که هیچ سطحی را نمی‌توان به‌عنوان سطح ایده‌آل مجازات مورد انتظار تعیین کرد و مثلاً: گفت که در مورد جرم لازم است که مجازات مورد انتظار (با هر ترکیبی از شدت و قطعیت) باید ۶ ماه حبس باشد یا یک سال. این سطح را عوامل و مؤلفه‌های دیگر (مثل میزان منابع موجود در اختیار دستگاه عدالت کیفری،

در ادبیات بازدارندگی از جرم، دو عامل در کنار یکدیگر مجازات مورد انتظار را تعیین می‌کنند: احتمال (قطعیت) مجازات و شدت (میزان) مجازات. مطابق تئوری بازدارندگی، حکومت می‌تواند با افزایش احتمال مجازات (از طریق افزایش احتمال دستگیری و یا احتمال محکومیت) و یا با افزایش شدت مجازات (مثلاً: افزایش طول مدت مجازات زندان) نرخ جرم را کاهش دهد. مبنای منطقی تئوری بازدارندگی بسیار ساده و شاید به همین دلیل بسیار اقناع‌آور است: فرض بر این است که با افزایش هزینه مورد انتظار از ارتکاب یک جرم (مجازات مورد انتظار) به اندازه کافی، می‌توان بزهکاران بالقوه را از انتخاب گزینه جرم منصرف کرد.

اگرچه عموماً پذیرفته شده که دو مؤلفه مذکور دارای آثار متفاوتی بر مجازات مورد انتظار هستند اما در مورد اینکه کدام مؤلفه مهم‌تر است و اثر بازدارنده بیشتری دارد، اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. اختلاف دیدگاه در مورد آثار متفاوتی که شدت و قطعیت مجازات می‌تواند داشته باشد، محققان را به سه گروه اصلی تقسیم می‌کند. در یک سو گروهی قرار دارند که تحقیقات آنها نشان می‌دهد که از حیث کارکرد بازدارنده مجازات، شدت آن دارای اهمیت و تأثیر بیشتری است.<sup>۱</sup> گروه دیگر محققانی هستند که معتقدند اثر نسبی شدت مجازات کمتر از قطعیت آن است و این قطعیت مجازات است که نقش اصلی را در تأمین بازدارندگی کیفر ایفا می‌کند.<sup>۲</sup> گروه سوم نیز پژوهشگرانی هستند که معتقدند شدت و قطعیت مجازات دارای اثر و اهمیت یکسان هستند.<sup>۳</sup>

میزان حساسیت جامعه به این جرم و عواملی از این قبیل) تعیین می‌کنند. اما موضوع مورد نظر در این نوشتار این است که هر سطحی از مجازات مورد انتظار که بر اساس این مؤلفه‌ها تعیین می‌شود، باید از چه ترکیبی از شدت و قطعیت مجازات حاصل شده باشد تا بیشترین کارآمدی را از زاویه عقلانیت بزهکاری داشته باشد.

۱. این دیدگاه را از جمله در منبع ذیل می‌توان ملاحظه کرد:

- Firesen, Lana, "Certainty of Punishment versus Severity of Punishment: An Experimental Investigation", *Southern Economic Journal*, Vol. 79, Issue 2, 2012, pp 416-419.

. برخی از آثاری که بر مبنای این دیدگاه به نگارش در آمده‌اند، عبارت‌اند از:

- Riedel, Mark, & Welsh, Wayne, *Criminal Violence: Patterns, Explanations, and Interventions*, Oxford, Oxford University Press, 2015, p 324.

- Becker, Gary, "Crime and Punishment: An Economic Approach", *Journal of Political Economy*, vol. 78, 1968, pp 169-217.

- Eide, Erling; Rubin, Paul; and Joanna Shepherd, *Economics of Crime: Foundations and trends in microeconomics*, Now Publishers Inc, 2006, pp 3-6.

- Entorf, Horst, & Spengler, Hannes, "Crime, Prosecutors, and the Certainty of Conviction", *European Journal of Law and Economics*, Vol. 39, Issue 1, 2015, pp 167-201.

۳. در این مورد نگاه کنید به:

- Lab, Steven. P. , *Crime Prevention: Approaches, Practices, and Evaluations*, Routledge, 2016, pp 150-158.

- Cullen, Francis, & Jonson, Cheryl, *Correctional Theory: Context and Consequences*, SAGE, 2011, p 71.

- Mendes, Silvia & Mc Donald, Michael, "Putting Severity of Punishment Back in the Deterrence Package", *Policy Studies Journal*, vol. 29, 2001, pp 588-610.

این گروه معتقدند که تفاوتی نمی‌کند که بزهکار بالقوه با یک درصد احتمال محکومیت به یک سال زندان مواجه باشد یا یک در هزار احتمال محکومیت به ده سال زندان. در هر دو صورت مجازات مورد انتظار، اندکی بیش از سه روز و نیم حبس است و بازدارندگی آن برای وی نیز در هر دو فرض یکسان است.

یکی از توضیحاتی که برای این اختلاف دیدگاه‌ها وجود دارد، توجه یا عدم توجه به عامل «خطر» است که گری بکر نیز از سال ۱۹۶۸ آن را در تحلیل‌های خود پیرامون اثر بازدارنده شدت و قطعیت مجازات وارد کرد. افراد مختلف، گرایش‌های مختلفی نسبت به موضوع «خطر» دارند و این تفاوت در گرایش‌های آنان باعث می‌شود که اثر شدت و قطعیت مجازات بر آنها نیز متفاوت از یکدیگر باشد.

بحث و تحقیق در مورد اثر نسبی شدت و قطعیت مجازات، هم دارای اثر و نتیجه علمی و نظری است و هم دارای نتیجه کارکردی و عملی. از بعد نظری، آن تئوری بازدارندگی می‌تواند کامل باشد که ارزش و اثر متفاوت این مؤلفه‌ها در آن لحاظ شده باشد و به همین دلیل نیز بر خلاف نظر برخی محققان، نمی‌توان از کنار این بحث به راحتی عبور کرد و ادعا کرد که اهمیتی بر آن مترتب نیست. از بعد عملی نیز این دیدگاه که قدرت بازدارندگی شدت مجازات بیشتر است یا قطعیت آن، تفاوت‌های قابل توجهی ایجاد می‌کند. برنامه‌ریزان عمومی نیز باید به این سؤال پاسخ دهند که تخصیص منابع محدود نظام عدالت کیفری به دستگیری مجرمان و محکوم کردن آنها اثر بازدارنده بیشتری دارد یا اجرای مجازات در مورد همان افرادی که محکومیت یافته‌اند.

اگر به کلیت تئوری بازدارندگی توجه کنیم ملاحظه می‌شود که دو مؤلفه قطعیت و شدت مجازات باید اهمیت یکسانی به عنوان عوامل بازدارنده داشته باشند زیرا، در تعامل با یکدیگر عمل کرده و مجازات مورد انتظار برای یک عمل را تشکیل می‌دهند. اما مدت‌ها است که محققان بر اساس یافته‌های خود بر این نکته تأکید می‌کنند که احتمال دستگیری و محکومیت، در مقایسه با شدت مجازات، تأثیر متفاوتی بر انسان‌های خردمند دارد. از همان قرن هجدهم به این سو، بحث در این باب وجود داشته است: برخی معتقد بوده و هستند که شدت مجازات اساساً تأثیر بازدارنده‌ای ندارد و برخی دیگر نیز معتقدند که حتی اگر این تأثیر بازدارنده وجود داشته باشد، بسیار کمتر از آن قدر بازدارندگی است که در مورد «قطعیت» مجازات، صادق است.

این عقیده که قطعیت و شدت مجازات دارای آثار بازدارنده متفاوتی هستند، به دوران مکتب کلاسیک جرم‌شناسی باز می‌گردد. بکاریا، بنتام و مونتسکیو بر این اعتقاد بودند که قطعیت مجازات (و البته سرعت اجرا)<sup>۱</sup> بیش از شدت آن اهمیت دارد.<sup>۲</sup> دلیل این امر نیز مبتنی بر واکنش آنها به قساوت و خشونت بیش از حدی بود که، آمیخته با نابرابری مجازات بین اشراف‌زادگان و عامه مردم، در مجازات‌های زمان آنها وجود داشت. به این معنا که نظام مجازات‌ها نسبت به عامه مردم بسیار شدید و سخت‌گیرانه و نسبت به طبقه نجبا، کاملاً تساهل‌آمیز بود. در واقع متفکران پیشروی مکتب کلاسیک با مطالعه علمی به این نتیجه نرسیده بودند که شدت مجازات دارای اهمیت اندکی از حیث بازدارندگی است و اینکه می‌گفتند که قطعیت مجازات دارای اثر بیشتری است، در این راستا بود که از شدت مجازات‌های آن زمان، نسبت به عامه مردم، کاسته شود. در آن زمان، شدت مجازات‌ها بیش از حد بود و در چنین اوضاع و احوالی، کاملاً قابل فهم است که رویکرد «کلاسیک‌ها» برای اصلاح نظام موجود، متمایل به کاهش شدت مجازات‌ها و افزایش قطعیت آنها باشد.<sup>۳</sup>

این میراث قرن‌های هجدهم و نوزدهم، در قرن بیستم به اختلاف‌نظرهای فراوان در مورد اثر و اهمیت نسبی مؤلفه‌های قطعیت و حتمیت مجازات منجر شد. یکی از پیشگامان این بحث در قرن بیستم، گری بکر است. او را زنده‌کننده و اصلاح‌کننده دیدگاه فایده‌گرایانه در قرن بیستم ارائه‌دهنده اولین مدل بازدارندگی بر اساس مفاهیم ریاضی می‌دانند. علاوه بر این او مفهوم «خطر» را نیز در تحلیل پیرامون قطعیت و شدت مجازات وارد کرد و به این ترتیب، اولین توضیح علمی در مورد اینکه چرا قطعیت و شدت مجازات دارای آثار متفاوتی هستند را ارائه کرد.

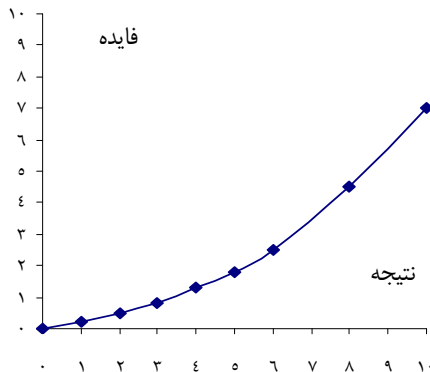
### 1. Celerity.

۲. در متون کلاسیک، سرعت در اجرای مجازات به‌عنوان یک مؤلفه مستقل تأثیرگذار بر میزان مجازات مورد انتظار بزهکار مورد توجه قرار داشت. اما امروزه تأثیر سرعت اجرای مجازات، ذیل مباحث مربوط به «شدت مجازات» مطرح می‌شود. علت این امر آن است که سرعت در اجرای مجازات، بر تصویری که فرد از شدت مجازات دارد تأثیر می‌گذارد. چنان‌که در مباحث آتی اشاره خواهد شد، یکی از خصوصیات غالب در افراد بزهکار «حال‌محوری» آنان است. این خصوصیت باعث می‌شود که با افزایش فاصله زمانی بین ارتکاب جرم و اجرای مجازات، تصور فرد از «شدت» مجازات کاهش یابد. به این ترتیب «سرعت» در اجرای مجازات بر تصویری که فرد از «شدت» مجازات دارد، تأثیر می‌گذارد و از این رو، سرعت در اجرای مجازات نه به‌عنوان مؤلفه‌ای مستقل بلکه به‌عنوان یکی از فروع بحث شدت مجازات، مطرح می‌شود. برای ملاحظه دیدگاهی که برای «سرعت» هویت مستقلی قائل است و آن را هم‌عرض «شدت» و «قطعیت» قرار می‌دهد، نگاه کنید به:

– آقایی، سارا؛ **عدالت بازدارنده**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، (صص ۱۰۷-۱۰۵).

3. Whitman, James, "The Transition to Modernity", in: Dubber, Markus; and Tatjana Hornle, *The Oxford Handbook of Criminal Law*, Oxford, Oxford University Press, 2014, p 106.

مدل گری بکر این گونه است که تعداد جرائم ارتكابی در هر زمان، برآیندی است از شدت و قطعیت مجازات و البته نیروهای اجتماعی - اقتصادی.<sup>۱</sup> مطابق این مدل، افزایش قطعیت یا شدت مجازات باعث کاهش منفعت مرتبط با جرم می‌شود. اما گری بکر در فرمول خود مؤلفه «خطر» را نیز وارد کرده است. واکنش افراد نسبت به خطر دستگیری و مجازات، بسیار متفاوت است<sup>۲</sup> و از جمله عواملی که در این زمینه مؤثر است، نوع نگرش به خطر می‌باشد. افراد، بر حسب نوع نگرش به خطر، واکنش‌های متفاوتی در برابر شدت و قطعیت مجازات دارند:



۱. افرادی که خطرپذیر هستند، با افزایش قطعیت مجازات بیشتر بازداشته می‌شوند تا افزایش شدت مجازات.<sup>۳</sup> برای چنین فردی، عدم مطلوبیت مجازات (ناگوار بودن مجازات) با نسبتی کمتر از میزان افزایش مجازات، افزایش می‌یابد.<sup>۴</sup> مثلاً: اگر پنج میلیون ریال جزای نقدی برای وی عدم مطلوبیتی برابر با ۲ واحد داشته باشد، هنگامی که مبلغ جزای نقدی سه برابر شده و به پانزده میلیون ریال برسد، میزان عدم مطلوبیت مجازات برای وی کمتر از سه برابر افزایش پیدا می‌کند و نهایتاً مثلاً به ۴ واحد می‌رسد. به این ترتیب مشخص است که افزایش شدت

۱. به این ترتیب در مدل گری بکر و اساساً در تمامی مدل‌های عقلانیت بزهکاری، تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی نفی نمی‌شود بلکه اساساً این مدل‌ها فارغ از بررسی اثر این مؤلفه‌ها هستند و به این موضوع می‌پردازند که با ثبات این عوامل، چگونه می‌توان بر اساس تغییر مؤلفه‌های شدت و قطعیت، میزان جرم را کاهش داد.

2. Chalfin, Aaron; and Justin McCrary, "Criminal deterrence: A review of the literature", *Journal of Economic Literature*, 2015, forthcoming. Available at: [eml.berkeley.edu/~jmccrary/chalfin\\_mccrary2014.pdf](http://eml.berkeley.edu/~jmccrary/chalfin_mccrary2014.pdf), p 6.

3. Mendes, Silvia & Mc Donald, Michael, "Putting Severity of Punishment Back in the Deterrence Package", *Policy Studies Journal*, Vol. 29, 2001, p 6.

4. Schmidt, Peter, & Ann Witte, *An Economic Analysis of Crime and Justice: Theory, Methods, and Applications*, Elsevier, 2013, p 151.



مجازات، در مورد وی اثری کمتر از افزایش قطعیت مجازات دارد: شدت مجازات باید در همان حد سابق باقی بماند اما قطعیت آن افزایش یابد. این مطلب با رجوع به نمودار «تابع فایده» یک فرد خطرپذیر که قبلاً ترسیم شد، به خوبی قابل درک است.

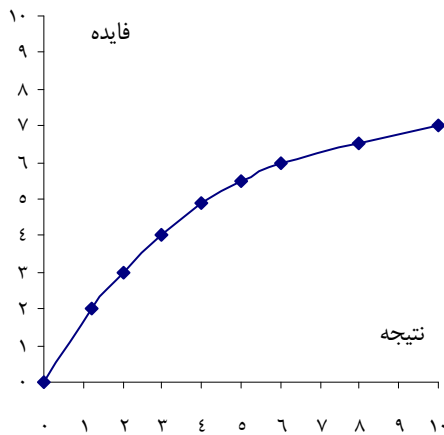
مجازات، مربوط به گرفتن داشته‌های فرد (مانند مال، آزادی تن، تمامیت جسمانی و نظایر آن) است و لذا به کاهش «فایده» منجر می‌شود. در مقام مقایسه، اعمال مجازات مانند حرکت در جهت عکس نمودار فایده است. هنگامی که یک فرد خطرپذیر، که تابع فایده وی به شکل فوق است، به دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود، مانند آن است که روی محور نتیجه (افقی) از نقطه ۱۰ به نقطه ۸ حرکت کرده است. این تغییر باعث می‌شود که میزان فایده برای وی (روی محور عمودی) از ۷ به ۴٫۵ کاهش پیدا کند. به این ترتیب، دو میلیون ریال جزای نقدی باعث ۲٫۵ واحد کاهش فایده برای وی شده است. حال اگر شدت این مجازات ۴ برابر شود و به هشت میلیون ریال برسد، مانند آن است که وی از نقطه ۱۰ محور نتیجه به نقطه ۲ منتقل شده است. این حرکت باعث می‌شود که میزان فایده وی از ۷ به ۰٫۵ برسد که این به معنای کاهش فایده و بهره‌مندی وی به میزان ۶٫۵ واحد می‌باشد. با توجه به این ملاحظات:

- هنگامی که میزان مجازات دو میلیون ریال است، عدم مطلوبیت آن برای وی ۲٫۵- واحد است.  
- هنگامی که میزان مجازات هشت میلیون ریال است، عدم مطلوبیت آن برای وی ۶٫۵- واحد است.  
به این ترتیب مجازات چهار برابر شده در حالی که عدم مطلوبیت آن برای وی تقریباً دو و نیم برابر شده است. این به آن معنا است که در مورد وی، افزایش شدت مجازات چندان مؤثر نیست و به جای آن افزایش قطعیت مجازات اثر بازدارنده بیشتری دارد.

۲. اگر بزهکار بالقوه، خطرگریز باشد، افزایش شدت مجازات اثر بازدارنده قوی‌تری بر او دارد.<sup>۱</sup> مثلاً: یک مجازات ده میلیون ریالی، با قطعیت بیست درصد برای وی بازدارندگی بیشتری نسبت به یک مجازات پنج میلیون ریالی با قطعیت چهل درصد دارد در حالی که مجازات مورد انتظار، با مفهومی که قبلاً توضیح داده شد، در هر دوی این فروض، یکسان است (دو میلیون ریال). علت این امر نیز آن است که برای فرد خطرگریز، عدم مطلوبیت مجازات با نسبتی

1. Mendes, Silvia, Op. cit.

بیش از میزان افزایش مجازات، افزایش می‌یابد. مثلاً: وقتی شدت مجازات از پنج میلیون ریال به ده میلیون ریال می‌رسد، عدم مطلوبیت آن بیش از دو برابر افزایش می‌یابد. همان‌طور که «مطلوبیت یک نتیجه مثبت» برای یک فرد خطرگریز، به نحو تصاعدی افزایش می‌یابد «عدم مطلوبیت یک نتیجه منفی» مانند مجازات نیز برای وی افزایش تصاعدی دارد. تطبیق این موضوع با نمودار تابع فایده یک فرد خطرگریز نیز آن را تأیید می‌کند:



هنگامی که یک فرد خطرگریز، که تابع فایده وی به شکل فوق است، به دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود، به‌مثابه آن است که وی از نقطه ۱۰ محور نتیجه (محور افقی) به نقطه ۸ منتقل می‌شود. این حرکت باعث می‌شود که میزان بهره‌مندی و فایده وی از ۷ به ۶٫۵ کاهش یابد. به این ترتیب، دو میلیون ریال جزای نقدی باعث ۰٫۵ واحد کاهش فایده برای وی شده است. حال اگر شدت این مجازات ۴ برابر شود و به هشت میلیون ریال برسد، مانند آن است که وی از نقطه ۱۰ محور نتیجه به نقطه ۲ منتقل شده است. این حرکت باعث می‌شود که میزان فایده وی از ۷ به ۱٫۲ برسد که این به معنای کاهش فایده و بهره‌مندی وی به میزان ۵٫۸ واحد می‌باشد. به این ترتیب اثر این دو مجازات بر وی را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

- هنگامی که میزان مجازات دو میلیون ریال است، عدم مطلوبیت آن برای وی ۰٫۵- واحد است.
- هنگامی که میزان مجازات هشت میلیون ریال است، عدم مطلوبیت آن برای وی ۵٫۸- واحد است.

به این ترتیب مجازات چهار برابر شده در حالی که عدم مطلوبیت آن برای وی بیش از یازده برابر شده است. نتیجه این امر آن است که اثر بازدارنده افزایش شدت مجازات برای وی بیش از افزایش قطعیت مجازات است.

۳. تنها در صورتی که بزهکار بالقوه فردی باشد که نسبت به خطر بی تفاوت است، اثر بازدارنده شدت و قطعیت مجازات در مورد او یکسان است.<sup>۱</sup> برای چنین فردی، هر میزان افزایش در قطعیت مجازات، همان اثری را دارد که میزان مشابه افزایش شدت مجازات، دارای آن اثر است: خواه شدت مجازات دو برابر شود و خواه قطعیت آن، در هر دو صورت بازدارندگی مجازات برای وی دو برابر می شود. برای چنین فردی، فقط میزان مجازات مورد انتظار مهم است و نه مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن.<sup>۲</sup>

1. Wardhaugh, Bruce, *Cartels, Markets and Crime: A Normative Justification for the Criminalisation of Economic Collusion*, Cambridge University Press, 2014, p 91.

2. Shavell, Steven, *Foundations of Economic Analysis of Law*, Belknap Press, Harvard University Press, 2004, p 481.

## نتیجه‌گیری

فزون از دو قرن است (از زمان نگارش رساله جرائم و مجازات‌ها توسط سزار بکاریا) که بیشتر جرم‌شناسان و دست‌اندرکاران حقوقی بر این اعتقادند که افزایش قطعیت مجازات‌ها، بیش از افزایش شدت آنها در تأمین بازدارندگی آنها مؤثر است. این نگرش، بسیاری از نظام‌های حقوقی را به سوی کاستن از شدت مجازات‌ها و به جای آن، تأکید بر افزایش حتمیت مجازات از طریق افزایش احتمال دستگیری و مجازات افراد سوق داد. اما این نگرش در دهه‌های اخیر با یک چالش جدی مواجه شد و آن اینکه بر اساس تحقیقات تجربی متعدد، که برخی از آنها حتی به روش فراتحلیل<sup>۱</sup> انجام گرفته‌اند، مشخص شده است که نوع نگرش افراد به خطر متفاوت است. به عبارت دیگر، تمام شهروندان نسبت به شدت و قطعیت مجازات واکنش یکسانی ندارند. افراد مختلف، درجات متفاوتی از خطرپذیری دارند و این امر باعث می‌شود که اهمیتی که برای شدت یا قطعیت مجازات قائل هستند نیز حسب مورد متفاوت باشد. کسانی که خطرپذیر هستند، از افزایش قطعیت مجازات بیشتر تأثیر می‌پذیرند. در مقابل، برای کسانی که خطرگریز هستند، افزایش شدت مجازات دارای اثر بازدارنده قوی‌تری است. افراد بی‌تفاوت به خطر نیز از هر دو مؤلفه به‌طور یکسان تأثیر می‌پذیرند.

سؤالی که می‌بایست در این قسمت پاسخ داده شود این است که نگرش‌های افتراقی افراد نسبت به مقوله خطر، چه تأثیری بر سیاست‌گذاری کیفری دارد. در پاسخ باید گفت که این وضعیت باعث می‌شود که در تصمیم‌گیری کلان برای سیاست کیفری، نتوان هیچ‌یک از دو مؤلفه شدت و قطعیت را بر دیگری ترجیح داد؛ زیرا، قانون‌گذار و مجری سیاست کیفری نمی‌توانند شدت و قطعیت مجازات را به نوع گرایش افراد به خطر احاله کنند. آنان باید تدبیر کلی برای این امر داشته باشند و این تدبیر کلی، بر حسب اینکه سرمایه‌گذاری بر روی کدام یک از دو مؤلفه مورد بحث کارآمدتر باشد، تفاوت می‌کند. افزایش شدت مجازات، منوط به آن است که بخش عمده بودجه دستگاه عدالت کیفری به اموری از قبیل ساخت زندان‌ها اختصاص داده شود تا امکان حبس طولانی‌تر افراد فراهم شود. در مقابل، اگر هدف افزایش قطعیت مجازات در اولویت قرار گیرد، منابع باید به سمت تقویت اقدامات پلیسی (به منظور افزایش احتمال شناسایی و دستگیری

1. meta analysis.

بزهکاران) و دادرها (به منظور افزایش توانایی آنها در تحصیل ادله مجرمیت) و دادگاهها سوق داده شود. اما مداخله عامل خطرپذیری باعث می‌شود که هیچ‌یک از این دو روند بر دیگری برتری ذاتی نداشته باشند. در عوض، برای تعیین جهت‌گیری‌های این حوزه می‌بایست به «مجازات مورد انتظار» توجه کرد، با صرف نظر از اینکه در تعیین آن، شدت مجازات نقش پررنگ‌تری دارد یا قطعیت آن. نظام عدالت کیفری باید بتواند مجازات مورد انتظار را در سطحی تأمین کند که بر منافع مورد انتظار از ارتکاب جرم غلبه داشته باشد. در این صورت است که بزهکاران بالقوه، به‌عنوان کنش‌گرانی حسابگر، از انتخاب ارتکاب جرم امتناع می‌کنند و بازدارندگی مجازات تحقق می‌یابد. عامل تعیین‌کننده، میزان هزینه‌های لازم برای این کار است. به این معنا که می‌بایست به تحلیل هزینه - فایده روی آورد. این موضوع باید مورد توجه قرار گیرد که با صرف بودجه دستگاه عدالت کیفری در راستای افزایش شدت مجازات بهتر می‌توان میزان مجازات مورد انتظار را افزایش داد یا با تخصیص همان بودجه به افزایش قطعیت مجازات. به‌عنوان مثال اگر فرض شود که میزان بودجه دستگاه عدالت کیفری، ده هزار میلیارد ریال است و با صرف این میزان بودجه می‌توان شدت مجازات‌ها را به میزان ۲۰ درصد افزایش داد؛ در حالی که اگر این هزینه صرف افزایش قطعیت مجازات‌ها گردد، باعث افزایش ۴۰ درصدی آن می‌شود؛ انتخاب صحیح برنامه‌ریزان دستگاه عدالت کیفری در این فرض آن است که بودجه را به سوی افزایش قطعیت مجازات سوق دهند زیرا، با این کار، میزان مجازات مورد انتظار را به میزان بیشتری افزایش خواهند داد و به تبع آن، بازدارندگی نیز در سطح مطلوب‌تری تأمین می‌گردد.

اعمال این تدابیر، منوط به ارزیابی کارآمدی اقداماتی است که در زمینه تغییر شدت یا قطعیت مجازات‌ها صورت می‌گیرد؛ و متأسفانه فقدان نظام منسجم ارزیابی کارآمدی، از جمله خلأهای اساسی نظام عدالت کیفری ایران است. سازوکاری باید وجود داشته باشد که میزان تأثیر تغییراتی که در حوزه شدت یا قطعیت مجازات‌ها رخ می‌دهد را بررسی کرده و انعکاس این تغییرات در افزایش یا کاهش بازدارندگی مجازات‌ها را تعیین کند. به‌عنوان مثال اگر قانونی تصویب می‌شود که مجازات جرمی خاص را افزایش می‌دهد، لازم است که پس از سپری شدن مدتی از اجرای قانون مذکور، بررسی‌های آماری دقیقی انجام گیرد تا مشخص شود که افزایش شدت مجازات در آن مورد باعث بازدارندگی بیشتر شده است یا خیر؛ و اگر پاسخ منفی است و این تدبیر نتوانسته

است به افزایش بازدارندگی منجر شود، لازم است که آن رویه اصلاح گردد و افزایش قطعیت مجازات در آن حوزه مورد توجه قرار گیرد.

به هر روی، مجازات‌ها تدابیر ثابتی نیستند که موفقیت‌آمیز بودن آنها از پیش تعیین شده و محتوم باشد. تنها با ارزیابی‌های مستمر و منظم است که می‌توان ترکیب بهینه شدت و قطعیت را برای مجازات‌های دسته‌های مختلف جرائم احراز کرد و مطمئن شد که منابع اندک دستگاه عدالت کیفری به بهترین نحو هزینه می‌شوند.

## فهرست منابع

## الف ( فارسی

۱. آشوری، محمد و اسدالله میرزایی؛ «حقوق کیفری و توسعه اقتصادی - صنعتی»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۲. آقایی، سارا؛ **عدالت بازدارنده**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۳. رهبر، فرهاد و میثم امیری؛ «اقتصاد رفتاری و سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ش ۴، زمستان ۱۳۹۳.
۴. فوکو، میشل؛ **مراقبت و تنبیه، تولد زندان**، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چ سیزدهم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۴.
۵. نوبهار، رحیم؛ «**اصل قضامندی مجازات‌ها**»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۶. ویلیامز، فرانک و مارلین مک‌شین؛ نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چ پنجم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۱.

## ب ( لاتین

7. Becker, Gary, "Crime and Punishment: An Economic Approach", Journal of Political Economy, Vol. 78, 1968.
8. Chalfin, Aaron; and Justin McCrary, "Criminal deterrence: A review of the literature", Journal of Economic Literature, 2015, forthcoming. Available at: [eml.berkeley.edu/~jmccrary/chalfin\\_mccrary2014.pdf](http://eml.berkeley.edu/~jmccrary/chalfin_mccrary2014.pdf).
9. Cullen, Francis, & Jonson, Cheryl, Correctional Theory: Context and Consequences, SAGE, 2011.
10. Eide, Erling; Rubin, Paul; and Joanna Shepherd, Economics of Crime: Foundations and Trends in Microeconomics, Now Publishers Inc, 2006.
11. Entorf, Horst, & Spengler, Hannes, "Crime, Prosecutors, and the Certainty of Conviction", European Journal of Law and Economics, Vol. 39, Issue 1, 2015.

12. Firesen, Lana, "Certainty of Punishment versus Severity of Punishment: An Experimental Investigation", Southern Economic Journal, Vo. 79, Issue 2, 2012.
13. Grant, Simon Harold, & Van Zandt, Timothy, Expected Utility Theory (November 25, 2007). INSEAD Business School Research Paper No. 2007.
14. Hayward, Keith, "Situational Crime Prevention and its Discontents: Rational Choice Theory versus the Culture of Now", Social Policy & Administration Magazine, Vol. 41, 2007.
15. Hylton, Keith, "The Theory of Penalties and the Economics of Criminal Law", Review of Law and Economics, Vol. 1, 2005.
16. Lab, Steven. P. , Crime Prevention: Approaches, Practices, and Evaluations, Routledge, 2016.
17. Lattimore, Pamela, & Witte, Ann, "Models of Decision Making Under Uncertainty: The Criminal Choice", in: The Reasoning Criminal: Rational Choice Perspectives on Offending, Derek Cornish & Ronald Clarke (eds), Transaction Publishers, 2014.
18. Mendes, Silvia & Mc Donald, Michael, "Putting Severity of Punishment Back in the Deterrence Package", Policy Studies Journal, Vol. 29, 2001.
19. Mendes, Silvia, "Certainty, Severity and Their Respective Deterrent Effects: Questioning the Implications of the Role of Risk in Criminal Deterrence Policy", Policy Studies Journal, February 2004.
20. Norman, Macrae, John von Neumann: The Scientific Genius Who Pioneered the Modern Computer, Game Theory, Nuclear Deterrence, and Much More, American Mathematical Society, 2000.
21. Riedel, Mark, & Welsh, Wayne, Criminal Violence: Patterns, Explanations, and Interventions, Oxford, Oxford University Press, 2015.
22. Rubin, Edward, L, "Rational Choice and Rat Choice: Some Thoughts on the Relationship among Rationality, Markets and Human Beings", Chicago-Kent Law Review, Vol. 80, 2005.
23. Schmidt, Peter, & Ann Witte, An Economic Analysis of Crime and Justice: Theory, Methods, and Applications, Elsevier, 2013.
24. Shavell, Steven, Foundations of Economic Analysis of Law, Belknap Press, Harvard University Press, 2004.
25. Smith, Adam, Lectures on Jurisprudence, Glasgow Edition of the Works and Correspondence of Adam Smith, Glasgow, Liberty Fund Inc, 2010.



26. Suzumura, Kotaro, Choice, Preferences, and Procedures: A Rational Choice Theoretic Approach, Harvard University Press, 2016.
27. Wardhaugh, Bruce, Cartels, Markets and Crime: A Normative Justification for the Criminalisation of Economic Collusion, Cambridge University Press, 2014.
28. Whitman, James, "The Transition to Modernity", in: Dubber, Markus; and Tatjana Hornle, The Oxford Handbook of Criminal Law, Oxford, Oxford University Press, 2014.